

SPIDER-MAN/
DEADPOOL®

003 **MARVEL**

KELLY
McGUINNESS
MORALES
KEITH



دورنامه
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

"از معجزه چیزی کم نداره.
پنجاه و سه استخوان شکسته، ریه آسیب دیده،
ضربه به سر و طحال پاره شده..."

"نمی دونم
حقتش بوده یا
نه..."

کوئنتین
یک شانس
دوباره ای برای
زندگی داره.

و بنا به گزارش های
مقایسه نمونه دی ان ای یا
پایگاه های اینترپل، اف بی آی
و گروه پیشاهنگی این
نمونه متعلق به بکه.

توهم یا
رویا نیست...
میستریو مغلوب
شده.

شنیدم
ددپول جونشو
نجات داده.

حتی بطور
تصادفی با یه
خودرو مسلح از
روشن رد شده.

یه طرفدار
نبوده؟

زیاد در موردش
فکر نکردم. می دونید
که این اسکنرهای طبی
رو من اختراع کردم؟ به
علم علاقه دارید
دکتر...؟

خوش تیپ گرام!

تا حالا
دچار کمبودی کما شدید؟
دکتر ددپول درمانشو
آورده!

می خوام
کاری کنم که یه کاری
کنم که بعد از به هوش
اومدنش گوش خودتو
ببری...



ههه...
مثل پیتر پارکر.

...
یا آقای ددپول رو ترجیح می دی؟ هه؟

نه برادر. همون ددپول کافیه.

او.ه. خدای من! هیچکس اینو باور نمی کنه!



چرا اینقدر عجیب داره نگاهم می کنه؟ یعنی می دونه؟ اون می دونه.

ممکن نیست. اون ددپوله! یه احمق!

ضمناً ممنون که درست وقتی اومدی که می خواستم از دکتر برای شام دعوت کنم عوضی!!



عجب پرستاریه. نه اون یه دکتره.

دکتر پرستار؟ احمقانه است.

خوب، الان باید پارکر رو بکشیم یا بعداً؟ به عنوان ضمیمه کار این پرستار هم باید کشته بشه؟

من به جنسیت حساسم. شاید نکشمش. نه. شایدم...



خوب می خواستی از من بخاطر زیر گرفتن میستریو با اتول رئیس دد تشکر کنی؟

برای نجات نیویورک...

"اتول دد" یه چیزی مثل اتواسپایدره که ظاهرش تغییر کرده درسته؟



خیلی بامزه ای. باید بخاطر هوای رقیق بالای برج عاجت باشه.

ببخشید؟ ببخشید. از موضوع منحرف شدم. بذار برگردم سر اصل موضوع..

دورناامه



یوآش قاتل.
قرار نیست بدون
ضد عفونی کردن دستت
با رئیس دست
بدی.

می دونم
دستجات کجا
بودند.

سلام... اسپایدی.
می دونستم همینورایی
ولی رئیس با کلمات و سکناش
منو مجذوب خودش کرد.

این
درگیری ها رو
یه بار دیگه یوآش تر
بگو. جذاب ترین لجه
روی زمین رو
داری...

یه جورایی
شک دارم البته...

... الان
زمان خوبییه. مرد عنکبوتی
داشت راجع به گذشتون صحبت
می کرد... درگیری هاتون...

داشت به
این موضوع فکر
می کرد که آیا واقعاً
عوض شدی.
اگه واقعاً
یه برگ جدید رو
کرده باشی... به نظرم
ارزشش رو داشته
باشه.

هر دو شما
بعتره باشید.

این واقعیه؟ مثل "رئیس گنده دماغ من (ناراحت نشیدا) نیست
که منو با دستمال به دستی سرکار گذاشت (ناراحت نشیدا)
تا آخر سر منو به قهرمانی بهتر بفروشه (ناراحت نشیدا)؟"

آره... آره...
آره... آره...
آره... آره...
آره... آره...



هی دکتر،
چون همه دارند برنامه
ریزی می کنند...

تاریخ داره
شکل می گیره!
این لحظه رو باید
ثبت کرد!

متأهلم.
شرمنده. لبخندا!



FOR
REAL.

به جدول دسترسی آسان
شخصیت های دنیای اسپایدی-
پول خوش آمدید...

هوبی براون بعضی
وقت ها در نقش اسپایدی
ظاهر می شه تا با اسپایدی یه
جا دیده بشن...

ددپول روی ماسک خودش
ماسک زده بود تا به پزشکان
دلگک دنیا ادای احترام کنه.

این کتر رو دیگه
نخواهید دید ولی متأهله
و خوش بخت.



پیتر پارکر
مرد عنکبوتیه
ولی...



یک روز و چند ارائه بیشتر از چند تا قسمت پسرانه بعد...

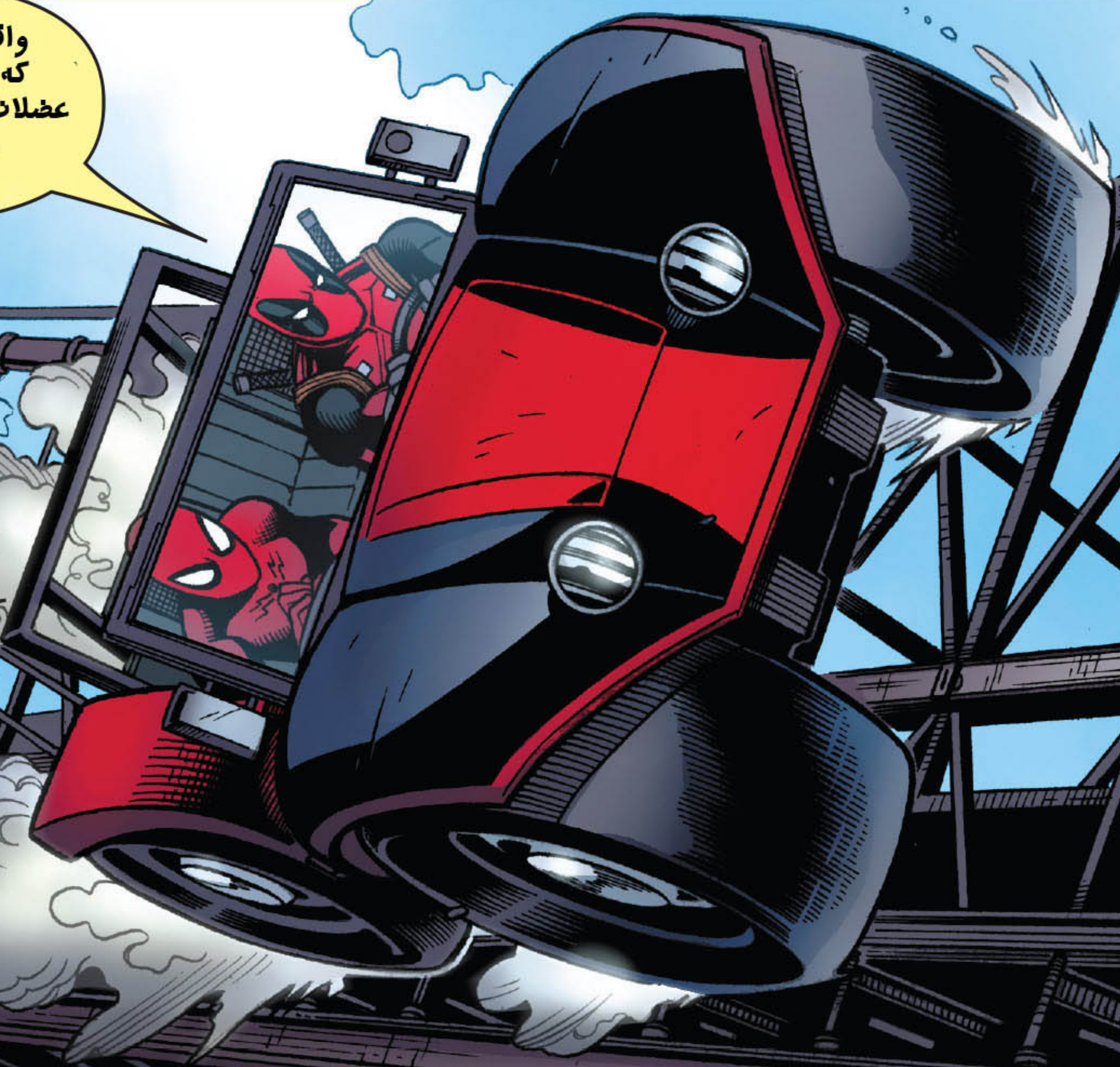
می خواهی من رو واقعا بشناسی؟! موجودی که زیر این همه جذابیت و عضلات قوی و ساختار استخوانی عالی قرار داره... حتما به آرزوت می رسی.

به یه روز ددپولی خوش اومدی! هر کاری من می کنم تو هم می کنی!

گذشته از گند هایی که مطمئنم به قالب می زنی ولی تو منو نیست، تو حواست به گند کاری های خودت باشه منم به خودم...

قوانین باید رعایت بشن.

قراره از کلمات بی خطر مون استفاده کنیم؟ مال من "دوباره انجامش بده" است.



یه هدیه برات دارم. خودم درستش کردم.

نمی تونم بگم چند بار سر قرار اول تیر خوردم.

بعد از احقاق نیستم. ولی من یه شانس دوباره با من پیدا کردی...

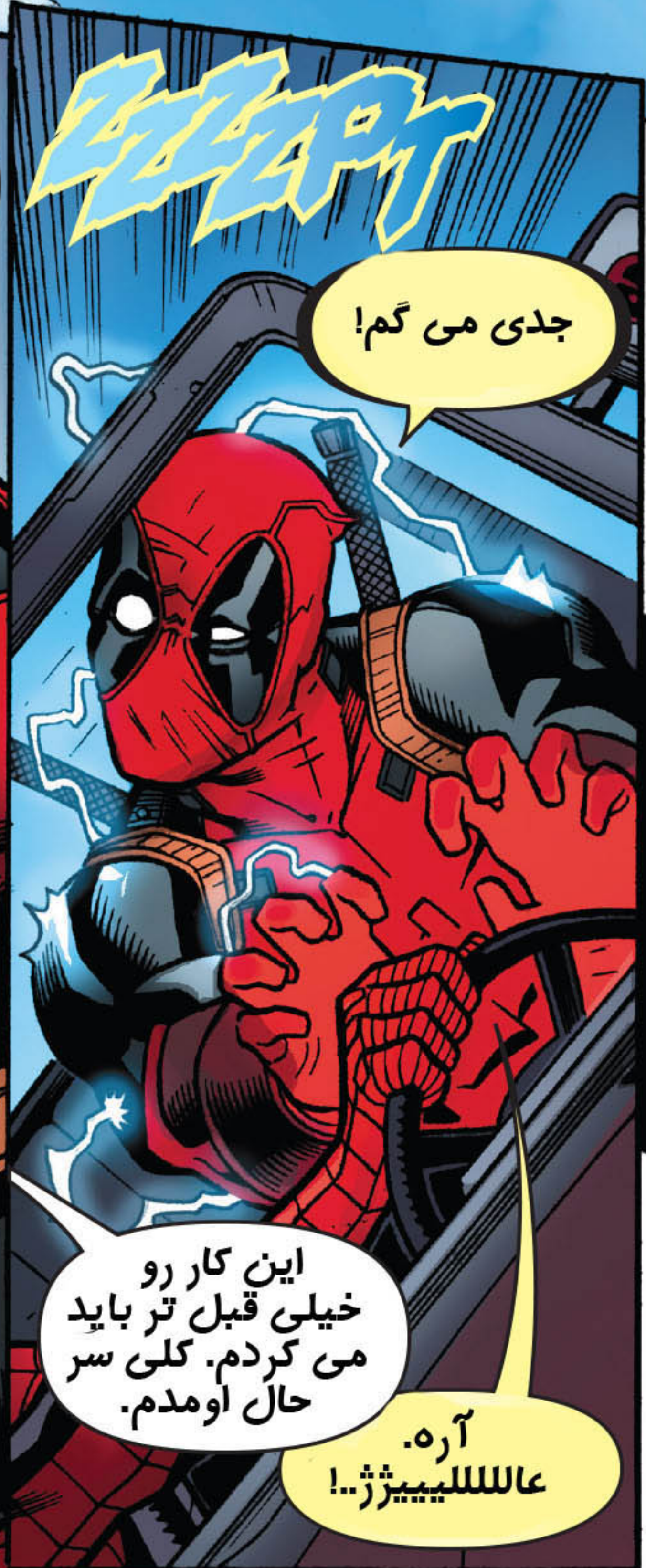
تنها راهی که بتونی متقاعدم کنی صداقت ۱۱۰ درصدیه.

می تونیم سر صداقت توافق کنیم؟

همینجا می شم...

شوخی کردم! شوخی! صداقت رو هستیم...

جدی می گم!



این کار رو خیلی قبل تر باید می کردم. کلی سر حال اومدم.

آره. عالییییییژژژ!

نمی خوام زیاد فنی صحبت کنم. این یه دروغ سنجه که به ردیاب اسپایدری وصله.

یک انتقال پر از دست انداز
و ۱۸ دقیقه بحرانی بعد...



بچه ها واقعا ناسپاسند.

باور نکردنیه.

امیدوارم زیاد شوکه نشده باشی. ولی کار ما اینجا تمومه.

آره من قبلا حرفه های شوکه کننده می زدم تا نمک به زخم بپاشم.

صبر کن! راستی... من به رویداد خیریه راه انداختم تا تو رو تحت تاثیر قرار بدم بعد به دروغ بگم که این یه هنجاره؟ آره. درستنه. بهترین لحظات من نبود.



ولی تو با اون حس حقیقت جویی له و همه این سوالهای تند و تیزت منو تحت فشار می ذاری.

قبل از اینکه این اتفاق بیفته فقط ازت پرسیدم "رنگ مورد علاقه ات چیه؟"

چرا باید راجع به رنگ بپرسی مرد؟



خوشحالم می بینم اینقدر جدی شدی وین.

آره! هستم! فقط سخته...

باشه. تو می خواهی من واقعی رو ببینی. هیچ شو خیریه تقلبی نباشه؟ فقط من.



حتی حاضرم مدال پلید واقعیت نسخه تو رو هم به گردن بندازم... ولی باید با من بیایی سر کار.

کجا؟

یک پرواز مافوق صوتی به بولیوی با دد جت ناخرم ددپول

منی دونی
من به تاجرم. وقتی
طرف های نمونه گیری ادرار با
عکس هالک نمی فروشم به
گروه از دوستان رو جمع می کنم
تا افراد نابکار رو کبیر بندازیم
و به کم خوبی به دنیا
هدیه بدیم...

مزدوران پولی ددپول

امتیاز بهره برداری هنوز
ثبت نشده.

امروز تیم
دوست داشتنی و مرگبار
ولی خوب من در قلب بولیوی
مشغول عملیات هستند.

یه گروه
افراطی و تهاجمی
بشدت مسلح به شهری
کوچک در بولیوی
حمله کردند...

.... و این
قضیه حتی تو
تکراس هم اتفاق
نیفتاده. باورتون
می شه؟

گروه هرچ و مرچ
رو فرض کنید. اونها
چیزی نمی خوان جز نمک
پاشیدن به هر جایی که قدم
می دارن. عجیبه که هیچ طنزی
هم در کار نیست.

اینجا جاییه
که دولت اصلا بهش
اهمیت نمی ده. بنابراین
مردم اینجا نوع دیگه ای از
کمک نیاز دارند.

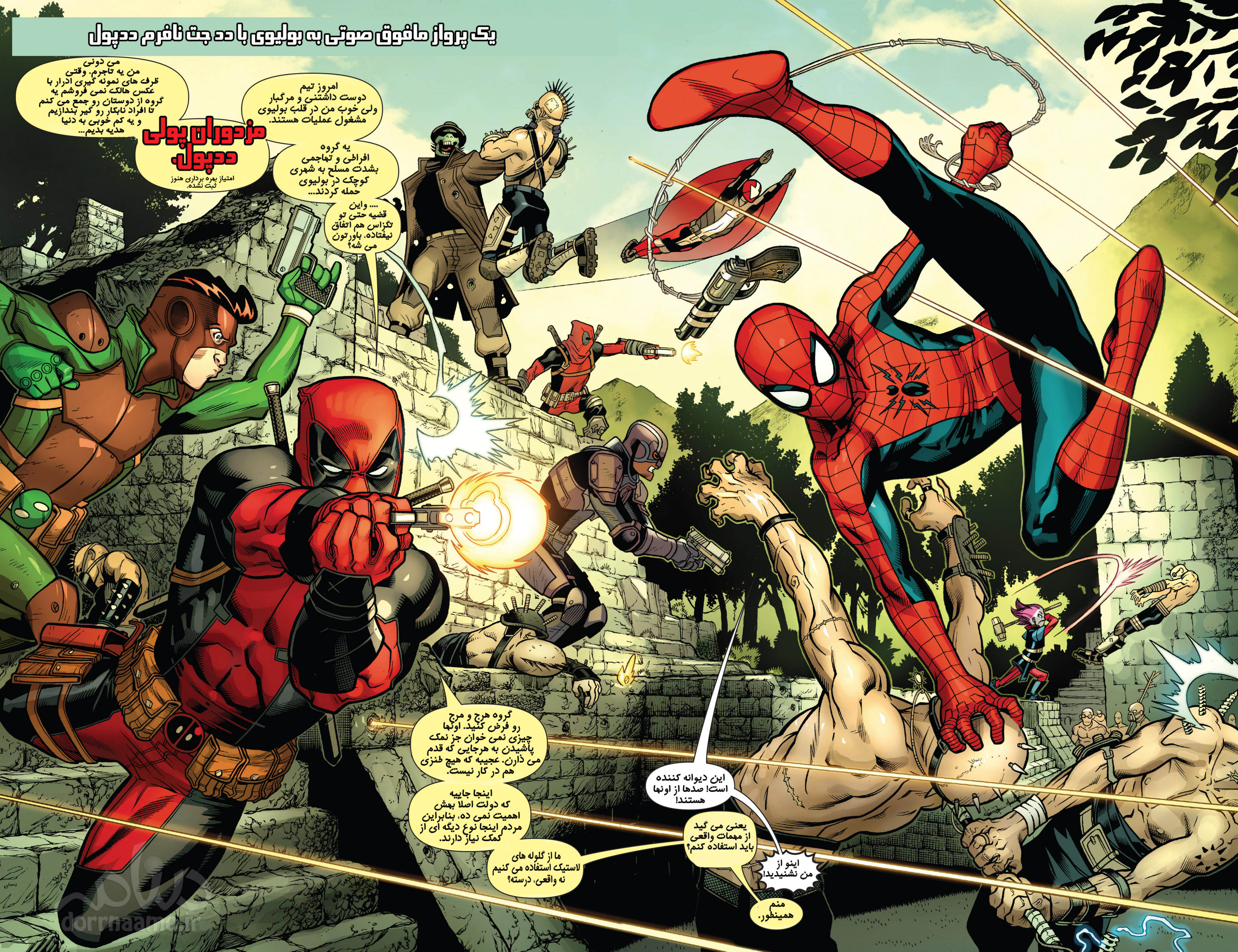
ما از گلوله های
لاستیک استفاده می کنیم
نه واقعی. درسته؟

این دیوانه کننده
است! صدها از اونها
هستند!

یعنی می گید
از مهمات واقعی
باید استفاده کنم؟

اینو از
من نشنیدید!

منم
همینطور.





کار با ددپول
واقعا باعث افتخاره.
اون یه رهبر واقعیه.
افتخار می کنم
دوستمه.

از شهادت ناخواسته ات
ممنونم سفره ماهی..



می دونم قبلا
یه مشکلاتی داشته ولی
کیه که مشکل نداشته باشه.
شایعه شده که خودت هم
مشکلاتی داشتی.

ددپول
زندگی بعضی افراد
رو تغییر داده از جمله
خود من.

آره...
آقایون، می شه
الان روی لشکر
ریوانه ها تمرکز
کنیم؟



آه... من یه
هدف دارم. من ندای
دروم رو پیدا کردم.
کار کردن برای ددپول به
من انگیزه می ده...

منتظرش
افتخار بود.

متاسفم
زیربغلم خیس
شد.



راجع به
مؤسسه کودکان
استثنایی براتون
گفته...؟

می دونم همه
چیکار دارید می کنید.
می شه بس
کنید...

نکو دیگه
خجالت
می کشم!



تو نمی خواهی
شهادت بدی... تو
با ددپول چه سروسری
داری ریپت آبناکشو؟

بعضی وقت ها
نمی تونم بکم صداهای
توی سرم از سیاره گربه هاست
یا اینکه پادشاه سبزی ها
داره منو برای ازدواج با دختر
خودش پروکولینی به
سمت خودش می کشه...

ددپول همیشه
خیسه!



شاید
می ده!
بهنون پول
می ده اینطور
حرف بزنی؟

ZAP
شرمنده!



آخرشم ...
بنداز کردن من
ددپول دوزاری.

راستشو بخواهینو
اسم من قتل عامینو. لباس
خودمینو بدست خودم
دوختمینو به افتخار
ددپولینو.

شهادتینو من مال خودم
بودینو. البته ددپولینو پیشهاد پول
دادینو برارش شهادتینو داده بشینو.



ددپولینو مرد
بزرگی نبودینو. اون
مرد خوبی بودینو ولی
کارهاش...

اگه ازش انتقادینو
نشه شاید شخصیتینو
ددپولینو مایه تعجبینو
بشه.



همه با من،
دیوارنورد و شلوار
استرچی! مزدورها!
کارهای ساده رو
تموم کنید!

آقای اسپیدی
و من می خواهیم
بطور استعاری سر این
موجود را از تنش جدا
کنیم! کی-یاااا!

این اسب
که بخشی از عملیات
نیست، هست؟

علاقه بعضی افراد
زیادینو... دید خودتونو
بازت کنید.

هنوز دوست
داری همراه من
باشی؟

یه عده از
روستاییان فروتن
عده ای از قهرمان های
عجیب رو استخدام کردند
تا از اونجا در برابر احتمالات
عجیب تر دفاع کنند!

منم مثل
یوجیمبو این وسط
اسیر شدم!

منتظرت
فیلم هفت
ساموراییه.

اولش هشت
تا بودیم. معنی
یوجیمبو تو زبان ژاپنی
"هشته" مطمئنم.
ادامه دار بود.

تو اون
ردیاب عنکبوتی
باید یه سنسور حماقت
هم می داشتیم.

یواش تر
ددپول! حس عنکبوت
من... اووو!!!

جای نگرانی
نیست. درست فرود
اومدم. بعد...

این بخش
تو یوجیمبو
نبود!

بذارید
چوب و سنگ
شما رو به نیستی
ابدی هدایت
کنه.

دنیا به آخر
رسیده. می تونید
سلاح ها رو بذارید
زمین و استراحت
کنید.

بچه ها خبر
خوب رو
شنیدید؟



بعضی از افراد
تو زندگی انتخاب های
نادرستی انجام
می دن. این خودش
یه نشانه است.

من قبلاً با
این بی کله ها روبرو
شدم. قبلاً هیچ
گروهی از شون
حمایت نمی کرد.



جوک های
دستی خیلی زیادی
درپیش داریم.

اینجا مطمئن
بودم که برای انتقام
اسبت باید گریه
می کردی.

چه اسبی؟

برو سراغ
اون گنده. من
می رم دنبال
انگشت بوگندو.



با این انگشت هایی
که تو داری، اگه من به جای
مشاور تحصیلت بودم
به تو نوازندگی پیانو
یا درز مبل گردی
رو پیشنهاد می کردم.

یا هر دو.
یه پیانیست پیر
و پلاسیده که بین
کوسن های مبل دنبال
فندق هاش می گرده.

اونهایی که
پاور ندارند تو
سرمای خورشید سیاه
جوک می کن...

...در نهایت
چیزی جز سکوت
پیدا نمی کنند.



اینو بگیر.
یه کم منطق افراد
تندرو رو داری که
ترسناکه.

می تونستی
سیاستمدار خوبی
بشی.

دپول انکار
تارها دارند کار می کنند.
گنده کاری های این
بابا فقط روی موجودهای
ارگانیک اثر داره.

از دیدگاه
آکادمیک جالبه.
راستی یه نکته
جالب دیگه...



این "چیز"
درجه دو کولر
رو به بتن تبدیل
می کنه.

در آخر
همه خاکستر
می شیم.

مواظب باش!

درسته حمله جالبی کردی ولی شاید اسپاییدی می دونه که چقدر بیهوده است حرکتت...

...همه چیز از بین می ره. دنیا بی مفهومه.

YEAAAARGH!

یه جفت قدرتمند اینجا داریم. یکی از کانیک ها رو ذوب می کنه. اون یکی بقیه کارها...

دل و روده بیرون ریخته ات درست می شه مگه نه؟

خوب می شه می شه می شه!

باید عقب نشینی کنیم...

راستش اگر چه اونها خیلی خیلی ترسناکند و می تونند ما رو کتلت کنند، ما قرار نیست بکشیمشون؟

اوکی

به عنوان قهرمانی که ذهنیتش رو تازه بدست آورده باید بگم فکر احمقانه ایه. فقط حرفشو زدم.

BOOM



مواظب باش
اینجا افراد
بیگناهی هستند؟



اینجا آزمایشگاه
تولید مواد! ما از
یه کارتل مواد مخدر
حمایت می کنیم؟

اگه بگم
"چکشون پاس شد"
جواب درستی ندادم
درسته؟



می دونستی!

اینو می دونستم
که مزرعه خانواده
مرکادو مشکلی
داره...

نمی دونستم
که قضیه چوب و
سنگه...

اوه گرفتم!!!
چوب و سنگه!
اصلا خنده دار نیست.



ما برای
موادفروش ها
می جنگیم!

راستی...؟
رفیق چشمجاتو
باز کن...



پرو کنار...
آآآ درررررررررر!!!

فریاد هشدار
منو دزدیدی
!%#&*&#%!

اونها خودشونو
مسموم کردند. زمین
های شما، زمین رو...
بذارید همشونو پاک
کنیم و از نو شروع
کنیم.

این زمین
زیر پای شما
فاسد شده. چرا برای
حفظش مبارزه
می کنید؟

داره برای
یه پرتاب دیگه
آماده می شه!

به جهت فلسفی
حق با شماست. ولی
همونطور که شاید شنیدید
"چکشون پاس شد..."

الانم که
کلاً لحظه اخلاقیات
فرار سیده، پس
برو عقب!!!

انگشت درازی
بی ادبیه!

SWITCH
PARTNERS!

همه ما که تو آمریکا
سفید پوست نیستیم.
اونها هر کاری می کنند
برای بقاشونه.

نمی دونم کدوم
یاس آور تره...
این...

...یا اینکه
تو کنترل دقیق
روی شرایط پیچیده
داری.

بطور طبیعی
این فریاد برای
مهمونی های
اونجوریه...

...ولی
فکر نمی کنم
عازم همچین
جایی باشی.

ما اینجا
نیومدیم به صورت زخمی
و پابلو اسکوبار کمک
کنیم. به این آدم ها
نگاه کن...

...برای نصف
اینجا قضیه مواد بساز
یا تیر بخور. برای نصف دیگه
قضیه یا تیر بخور یا مواد
بکاره.

چیستان رو
بذار برای بعد. الان
برنامه چیه؟

آره...



چقدر سوسول...
یه مشت شکننده و چند
استخوان شکسته باعث
شد برگردن تو لونه
گروهشون.

کارمون تمومه... سنگ.
عقب نشینیم...



آره. من به
این وضعیت می گم
پنیر سوئیسی... نگران نباش.
عامل درمانی داره کارشو
می کنه...

شاید
می دونستیم به
بعضی از تولیداتشون
امتیاز بدیم...
انکار
کمکه لازم
دارم...

پایه تعقیب
کنیم...؟ وید...

به نظرت
به کارهاتون ادامه
می دن؟



لازمه یه نفر
با پول خیلی زیاد و
قدرت اینجا باشه تا
کار درست رو انجام بده.
اونم بخاطر دلرهمی...
شاید.
به من مربوط نمی شه.
من قدرت اینو ندارم که
کل بولیوی رو تغییر بدم.
اونم بخاطر دلرهمی...

خیلی خوب
می شد اگه یه نفر با
این مشخصات رو
می شناختیم... تونی
استارک؟

اون که
ورشیکسته است.
ضمنا مزدورهای
من گرایش های
فرقه ای دارن. ممنون
که پرسیدی.



خوب. الان می تونیم
بریم خونه؟
تقریباً.
تقریباً؟
امروز
پنج شنبه است.

لازمه بدونم
معنی پنج شنبه
چییه؟



انتروپن یه
اصل بنیادی در
جهان هستیه،
قطعا جدابیتش
رو می بینم...
HNNGH

...ولی صدها سال
طول می کشه و به اندازه
امید قدرت نداره.
فلسفه من برای انتخاب.



انقدری که
فرو کردن شمشیر
برام معنی داره اخلاقیات
معنی ندارند. منظورش
چی بود؟



چرا هنوز نمردی؟ من
به هر کی دست می زنم
فنا می شه!

بخاطر قدرت
درمانگریه. ولی برای اینکه
بهمت زیاد بر نخوره باید بدونی
انگشتها اذیت می کنه.
عوضش!
سنگ! کمکم
کن!



متأسفم، ولی
سنگ الان نمی تونه
بجنگه. چون تو محلول سدیم
هیدروکسید حلش
کردم...
KTHOK

...که تاثیر
خنثی ساز خوبی روی
لمس های مرگبار اسیدی
داره. حداقل به اندازه
کافی تا...

**نای آوت
قهرمانی دوبل!!!**

یک ورق زدن صفحه و یک پرواز با سرعت مافوق صوت از بولیوی.

واو. اینجا
اصلاً هیچ سیگنالی
دریافت نمی‌کنم. جی پی اس،
اینترنت و ماهواره
همه به محض ورود
غیرفعال شدند...

سیگنال‌ها جام شدند.
اینجا به جهت الکترونیک
وجود نداره. از بالا فقط
یه سری سقف‌های بدون
طرح دیده می‌شه.

آخرین
ایستگاه.

بذار حدس
بزنم... به زبان
فصیح مزدورها؟ یه
کلوپ شبانه
بیگانه‌های فضاییه؟

از تو یاد
گرفتم پدر.

ذهن
آلوده ای داری.

هه هه
خندیدم.

اونجاست
سر وقت. اون حتی
از ساعت هم استفاده
نمی‌کنه...

خنده ات گرفته؟
می‌خواهی این تعقیب و
گریز حماسی رو با بچه‌ها و
توله سگ‌ها تموم کنی؟

فکر کردم
می‌خواهیم اندازه
حقیقت رو بزرگتر
نشون بدیم...

بابا؟

چی گفت
این کوچولو؟



سلام
الی زیبای بابا.

هفته ات
چطور گذشت؟

نمره A تو درس
اجتماعی گرفتم. برایان
تو موهام اسپاگتی ریخت
ولی با چاقو نزدمش، اگر چه
دلم می خواست. امشب سری
جدید دختر سنجابی پخش
می شه... می توئم نگاه
کنم؟

هه. آره حتماً.
بعد از شام بستنی.
اول می خوام تو رو با
یکی آشنا کنم.

وید، نه.



عمو
اسپایدی؟؟!

آره.
این دینامیتی که
داره پرورش پیدا
می کنه الیه.

دخترمه.

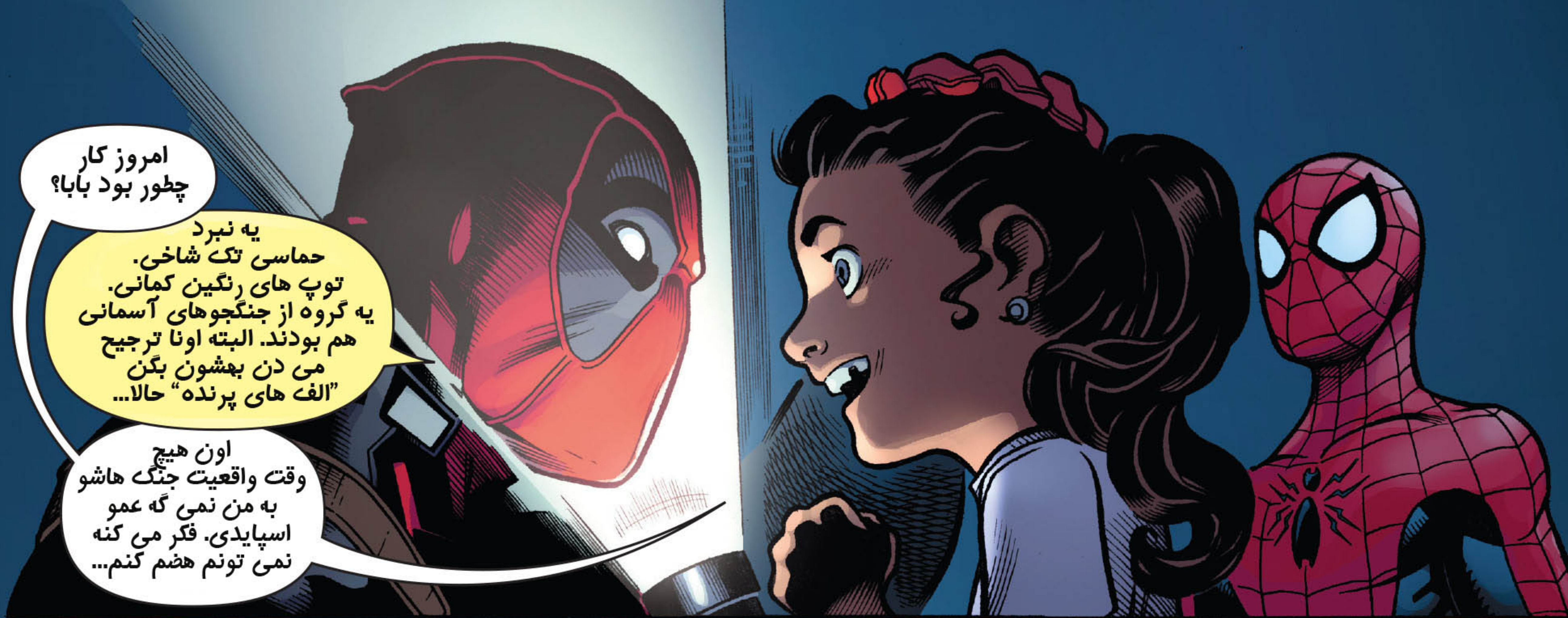
از دیدارت
خوشوقتم
الی...



می دونی
من کی ام نادون!
بابام همیشه راجع
به تو حرف می زنه!

بخت گفت
که هفته گذشته
تو شنا مدال
گرفتم؟

...
آره.
گفته. کار خوبی
کردی.



امروز کار چطور بود بابا؟

یه نبرد حماسی تک شاخی. توپ های رنگین کمانی. یه گروه از جنگجویان آسمانی هم بودند. البته اونا ترجیح می دن بهشون بکن "الف های پرنده" حالا...

اون هیچ وقت واقعیت جنگ هاشو به من نمی گه عمو اسپایدی. فکر می کنه نمی تونم هضم کنم...



پدرم عاشق شماست! می گه شما بهترین دوستش هستید و کاپیتان آمریکا نتونست تارهای شما رو پاک کنه...!@#%!

...آه این بچه ها! واقعاً خوردنی اند! هه...

این فکر بدی بود.



برو یه دوش بگیر. شاید قبل از خواب بتونیم یه قسمت از "منو به جهنم ببر" رو ببینیم.

وقتی به قسمت های ترسناکش رسید چشمهاتو نبندی. خداحافظ عمو اسپایدی!



خیلی وقت بود ازش خبری نداشتم. یهو پوف پیداش شد...

کی می دونه.

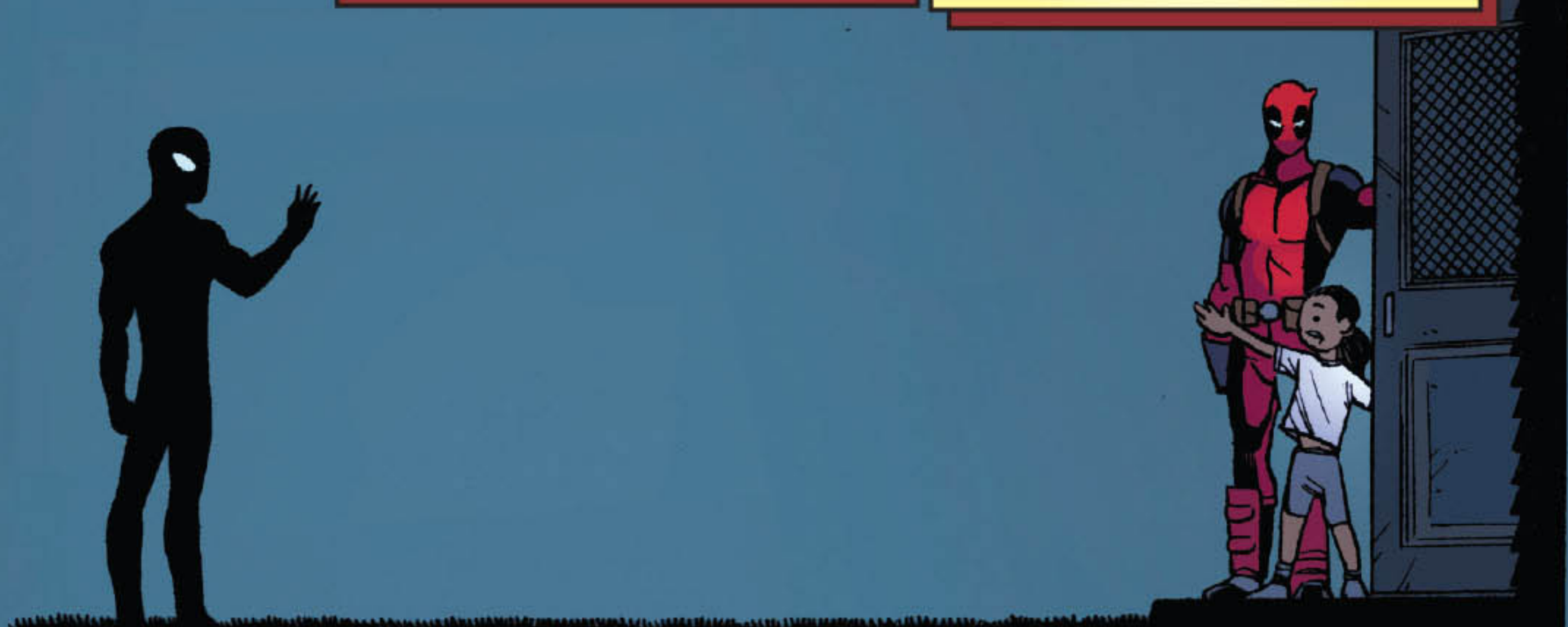
الی اینجا جاش امنه... تا روزی که من دست از این احمق - باز پیام بردارم و به یه مرد واقعی تبدیل بشم. اونوقت شاید بشه بهم گفت ددپول...

خیلی غیرممکنه؟

"آدم ها عوض می شن."

"تو از یه قهرمان خیابانی تبدیل شدی به یه فعال تجاری. من هم پدرم."

"دنیای عجیبیه. دیگه چی می خواهید بگم؟"



"من روز خوبی داشتم."

"امیدوارم از تست شخصیت شما سر بلند بیرون اومده باشم. به هر حال...."

درست وقتی فکر می کنی کسی رو که ازش متنفری می شناسی...





"سلام."

"چرا پیچ پیچ می کنی؟"

"چون نمی خوام یه دو جین خرگوشی که الان برای خوابوندن بچه شمردم بیدار کنم...."

"اسکنر اسپاییدی چطور تونست تشخیص بده؟"

ما تمام واکنش های عصبی و تکانه های عضلانی تو رو وقتی تو جنگل غرغر می کردی ثبت کردیم..."

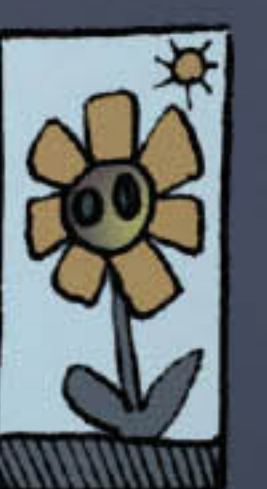
"به همون اندازه که می کن فوق العاده است."



"آره. نمی شه دزدکی بهش نزدیک شد. نمی شه بسرعت از کنارش رد شد. حسش مثل یه تک تیراندازه."



"خلاصه، نمی شه پیتر پارکر رو بدون خارج کردنش از پوسته اش کشت."



"ممنونم، ولی فکرشو کردم."

گلوله نقره ای؟ چادر نامرئی ساز؟ اسپری عنکبوت کش؟ چی می تونه تو رو از کنار مردعنکبوتی عبورت بده؟"

"دوستی."



فکر می کنی برای حمایت از یه استان در بولیوی جقدر پول لازمه؟

ساعت ۳ شبه. شوخیت گرفته؟

دارم فکر می کنم که تمرکز مؤسسه عمو بن رو به مناطقی ببرم که تحت تأثیر اقتصاد قاچاق محوره..."

یواش برو! متغیرهای زیادی وجود دارند و ... بدون اینکه بدونم امروز چیکار کردی که به این نتایج رسیدی، می خواهی بدونی من چه فکری می کنم؟

حقیقت ولاغیر.

بعضی آدم ها... انقدر به یک شکل زندگی می کنند که اگر موقعیتی طلایی بهشون داده بشه تشخیصش نمی دن.

برای تغییر یه روستا چقدر پول لازمه؟ شاید کافی نباشه.

با سه میلیون شروع می کنیم.

از ماشین بازی که بهتره. از آدمهایی که پول بابت ماشین خرج می کنند متنفرم.

فکر می کنی فرقی ایجاد می کنه؟

فکر می کنم وقتی به مردم شانسی دوباره برای تغییر داده می شه... باید بگیرند.

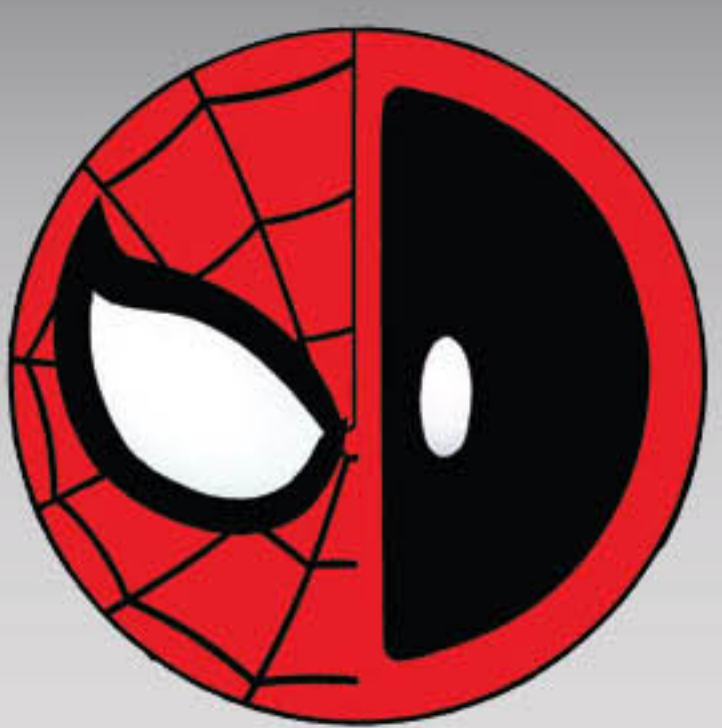


"حتی بدترین اونها."

آروم بخواب مسافر. تو هنوز از بازی خارج نشدی.

ادامه دارد.

می خواہید بدوئید بعد چہ اتفاق می آفتہ؟



#4

SPIDER-MAN/
DEADPOOL®

003 **MARVEL**

KELLY
McGUINNESS
MORALES
KEITH

دورنامه
dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی